ویژگی های منبع لغوی در فهم معارف قرآن و حدیث

محمدحسن ربانی[1]

تدوین: محمدجواد حسنی[2]

چکیده

از جمله ارکان مهم در فهم مراد قرآن و حدیث، بهره گیری از منابع لغوی عرب است. با توجه به ویژگی های متون مقدس اسلامی ضروری است منابع لغوی که در این عرصه مورد استفاده قرار می گیرند، دارای دو ویژگی نزدیکی به زمان وحی و صدور حدیث و همچنین استناد به سماع از عرب باشد. در این نوشتار به تبیین این دو ویژگی پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: شعر جاهلی، کتاب لغت، فقه الحدیث.

با توجه به ویژگی نخست، نمی توان برای تفسیر قرآن و فهم مراد واقعی معصوم در روایات به امثال کتاب المنجد مراجعه کرد؛ چراکه نویسنده آن، یک مسیحی بیگانه از قرآن و سخن معصومان علیهم السلام بوده و کتاب را بر اساس لغات خیابانی امروزی نوشته است. نویسنده این کتاب حتی به عنوان یک متن عربی نیز به قرآن و حدیث توجه نداشته است. دلیل توجه عالمان به کتاب العین فراهیدی نیز به سبب

---

۱. پژوهشگر، نویسنده و استاد حوزه علمیه مشهد.

۲. پژوهشگر پژوهشکده حدیث حوزه (m.javadhasani@yahoo.com).

نزدیکی به عصر وحی و عصر امامان علیهم السلام است؛ بنابراین، هرچه زمان تدوین کتاب لغت به عصر وحی نزدیک تر باشد، اعتبار بیشتری دارد.

گاهی لغت بر اثر مرور زمان، معنای خود را از دست می دهد؛ مانند واژه «شوخ» که در لغت فارسی قدیم، به معنای «چِرک» است. در کتاب های ادبی فارسی چنین می خوانیم: «همچون کیسه کِش حمام نباش که شوخ مردم را به آنان بنمایانی». بر این اساس، شوخ به معنای چرک پشت بوده که دلّاک ها در حمام اصرار داشتند آن را جلوی پاهای فرد بریزند که انعام بیشتری بگیرند. روشن است که امروزه شوخ به این معنا به کار نمی رود

در فقه نیز این تغییر معنا وجود دارد؛ مانند واژه «حیله» که از ماده «حال، یحیل؛ حاول، یحاول» و در اصل لغت به معنای «چاره جویی»، به معنای کسی است که درباره کاری فکر می کند و راه برون رفت می گشاید. عرب زبانان درباره کسی که در کارش چاره جویی می کند، عبارت «حاول فی امره» را به کار می برند. از این رو اباعبدالله علیه السلام کنار پیکر حضرت عباس علیه السلام فرمود: «اَلْآنَ انْکَسَرَ ظَهْرِی وَ قَلَّتْ حِیلَتِی»؛[1] یعنی بر اثر فشار روحی، چاره جویی من از دست رفته و نمی توانم برای کار خویش، برون رفتی تصـــور کنم. با این حال، امروزه حیله به معنای خُدعه، حُقّه، کَلَک و نیرنگ اســـت و این واژه، معنای مثبت خود را از دست داده است. نخستین کسی که در موضوع «حیل ربا» مطلب نوشت، مرحوم شیخ طوسی بود. وی در کتاب مبسوط، مطلبی با عنوان «فصل فی باب الحیل»[2] را آورده و اصلاً در ذهن شیخ، معنای نیرنگ وجود نداشته که بخواهد کلاه شرعی به مردم بیاموزد. در واقع می خواهد به کسانی که حیل ربوی را قبول دارند، «گریز از قانون به قانون» را نشان دهد. امام خمینی رحمه الله این چاره

۱. بحارالانوار، ج۴۵، ص۴۲.
۲. المبسوط، ج۵، ص۹۵.

ها را قبول ندارد؛ از این رو در تحریر الوسیله می نویسد:

ثم انی جدّدت النظر فی المسالهٔ فوجدت أن التخلص من الربا غیر جائز بوجه من الوجوه.[1]

مقصــود از حیل الربویّه، یعنی چاره جویی ها؛ اما در عصــر حاضــر وقتی حیله به کار می رود، مکر روباه و اســتعمار پیر انگلیس به ذهن می آید که معنای خدعه و نیرنگ را متبادر می ســازد. با توجه به این که حیله معنای خود را از د ست داده، باید به لغت های معا صر مثل المنجد تکیه کنیم که از زبان مردم کوچه و خیابان نوشته شده است.

همچنین ضروری ا ست محتوای کتاب لغت بر ا ساس شنیدن از افراد عرب زبان با شد؛ چون لغت مانند بحث علت و معلول و فلسفه نیست که بتوان بر اساس قاعده و با صغرا و کبرا بحث کرد. هرچه لغت از استحسانات عقلی دور باشد، سالم تر است و هر مقدار استحسانات عقلی در منبع لغوی داخل شود، آن را از جایگاه ا صلی خود دور کرده ا ست. یکی از علت های شهرت « صحاح اللغه» در بین شیعه نیز همین دلیل است. جوهری (۳۹۳ق) کتاب لغت خود را بر اساس سماع از بادیه نشین ها نوشته ا ست. وی از اعجوبه های روزگار به شمار می رود؛ با این که خودش از دیار ترک نشین بوده، اما به جمع آوری لغت عرب پرداخته و عمر خود را میان عرب بادیه نشــین گذرانده اســت. روش خلیل بن احمد فراهیدی نیز به این صــــورت بوده که با قلم و دوات به بادیه می رفت، لغت عرب را از بادیه نشــینان جمع آوری می کرد و برای تدوین و دســته بندی به مدینه بازمی گشــت که در نهایت، کتاب العین شکل گرفت و تکمیل شد. در کتاب العین و صحاح اللغهٔ هیچ ا ستدلالی وجود ندارد و برای ارائه معنایی از یک لغت دلیل آورده نشده است؛ چون تنها آن چه شنیده اند را ضبط کرده اند.

۱. تحریر الوسیله، ج۱، ص۳۸۵.

در فضای عقل گرایی بغداد و کوفه قیاس و استحسان و علّت ترا شی وارد ادبیات عرب همچون لغت و نحو شد؛ از این رو نحو کوفه و بغداد، نحو قیاس و استحسان است، اما نحو مدرسه بصره _ که سردمدار آن ابو الاسود دوئلی، فرزندش و شاگرد او احمد بن خلیل بودند _ بر اساس سماع باقی ماند.

ویژگی سماعی بودن لغت به این معنا ست که لغوی، کلمات را از محاورات مردم عرب قدیم شنیده و ضبط کرده با شد. به همین دلیل، شعر عرب از مصادر لغت عربی و از جمله پایه های مهم تفسیر و شرح آیات و روایات است. شعار عبدالله بن عباس و برخی صحابه «علیکم بدیوان العرب» بوده است.[۱] البته همه ا شعار عرب حجت نیست و تنها بخشی که با دوره وحی و صدور حدیث هم عصر ا ست حجیت دارد. منظور از شعر عرب، شعر شاعران متقدم ا ست؛ از این رو شاعران به چهار دسته تقسیم شده اند:

_شعرای جاهلیّون: قطعاً شعر شاعران جاهلی حجّت است.

_شعرای مخضرمون: یعنی کسانی که زمان جاهلیت و زمان صدر اسلام را درک کرده اند و شعر آن ها نیز حجّت است.

_ شعرای محدثون: یعنی کسانی که پس از دوره رسول خداﷺ و صحابه آمده اند؛ مانند جریر، فرزدق و اخطل که درباره حجیت شعر آن ها بحث است.

_ شعرای مولّدون: منظور از این گروه، افرادی مانند کمیت بن زید ا سدی، دعبل خزاعی (صاحب قصیده معروف در مدح حضرت رضا(ع)) و شاعران پس از آن ها مانند سیّد مرتضی و سیّد رضی است که شعر آنان حتماً حجّت نیست.[۲]

۱. نک: شرح مقدمه التفسیر لابن تیمیه، ج۱۲، ص۸.
۲. نک: موسوعة کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، ص۱۰۰۱.

به هر حال، حجّت شعر عرب به دلیل ا ستناد به سماع و دوری از ا ستحسانات عقلی و همچنین هم عصر بودن با زمان وحی و دوره معصوم ا ست. در واقع لغت باید بر ا ساس سماع با شد. کسانی که دوره های بعد آمده اند یا لغت شنا سان عصر حا ضر، باید ناقل با شند نه مجتهد. البته در واکاری لغت می توان اجتهاد کرد، اما در بازسازی لغت اجتهاد وجود ندارد و نمی توان از نزد خود معنایی ساخت؛ از این رو لغوی ها، روش احمد بن فارس قزوینی در کتاب مقاییس اللغه و اتباع او همچون زمخ شری را نمی پسندند.

نتیجه گیری

منابع لغتی که در فهم معانی و مفاهیم کتاب و سنت مورد ا ستفاده قرار می گیرند باید با دوره نزول و صدور قرآن و روایت معاصر بوده و مبتنی بر سماع از عرب آن دوره باشند. ضرورت این دو ویژگی به این دلیل است که حکیم و معصوم با لحاظ شرایط و زبان مخاطب عرب سخن گفته اند و برای فهم دقیق مراد، نیازمند شناخت لغت عرب همان دوره است.

منابع

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، دوم،۱٤۰۳ق.

۲. تحریر الوسیله، سید روح الله موسوی خمینی، قم، مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم، اول، بی تا.

۳. شرح مقدمة التفسیر لابن تیمیة، شارح: صالح بن عبد العزیز بن محمد بن إبراهیم آل الشیخ، بی جا، بی نا، بی تا.

٤. المبسوط فی فقه المامیة، محمد بن حسن طوسی، تهران، المکتبة المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة، سوم، ۱۳۸۷ق.

۵. موســوعهٔ کشــاف اصــطلاحات الفنون و العلوم، محمد علی بن علی تهانوی، تحقیق:علی فرید دحروج، بیروت، مکتبهٔ لبنان ناشرون.